

بررسی تداخل زبانی میان زبان کردی کلهر و زبان فارسی

واژگان کلیدی

- * تداخل زبانی
- * خطاهای گفتاری
- * زبان اول
- * زبان دوم
- * کردی کلهری

mehrangizbaravardeh@yahoo.com* مهرانگیز برآورده

دانشجوی دکتری دانشگاه آزاد اسلامی واحد ایلام

چکیده

در فرایند یادگیری زبان دوم، خطا پدیده‌ای است رایج و قابل پیش بینی. تداخل های زبانی دسته ای از خطاها محسوب می شوند که حاصل انتقال دانش زبان مادری به زبان مقصد هستند. تحقیق حاضر که در چارچوب «تحلیل خطا» و بر اساس طبقه بندی براون (۲۰۰۷) از خطاها صورت گرفته است، بر آن است تا خطاهای نحوی ناشی از تداخل دو زبان کردی کلهری و فارسی معیار را در گفتار دوزبانه های کردزبان و فارسی زبان مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد. بدین منظور، از بین خطاهای گفتاری، خطاهای نحوی و از بین آنها خطاهای ناشی از تداخل بین زبان اول و دوم مورد بررسی قرار گرفت. رویکرد این پژوهش تلفیقی (کمی/کیفی) است. نمونه آماری شامل ۱۷۰ دختر و پسر دوزبانه ساکن شهر کرمانشاه است که به روش نمونه گیری داوطلبانه انتخاب شدند. پس از تحلیل خطاها، نتایج پژوهش نشان داد که خطاها به ترتیب درصد فراوانی عبارتند از: خطای کاربرد نادرست اجزای فعل مرکب، خطای حروف اضافه، خطای ترتیب اجزای جمله، خطای حرف نشانه «را»، خطای کاربرد فعل نامناسب، خطای استفاده از «ی» زائد، خطای حروف ربط و خطای استفاده از ضمیر نامناسب. با اتکا به نتایج تحقیق حاضر، می توان راه کارهای آموزشی را برای معلمان، برنامه ریزان درسی، طراحان آزمون ها و زبان آموزان به منظور کاستن مشکلات یادگیری زبان فارسی در مناطق کردزبان ارائه داد.

۱. مقدمه

خطاها^۱ انحرافات رایج و نظام مندی‌اند که حاصل تخطی از قواعد زبان دوم هستند. در گذشته خطاها به عنوان موانع یادگیری زبان دوم تلقی می‌شدند که باید از آن‌ها دوری می‌شد؛ اما امروزه خطاها در یادگیری زبان دوم اهمیت بسزایی دارند. زبان کردی کلهری یکی از زبان‌هایی است که در غرب ایران، از جمله کرمانشاه بدان تکلم می‌شود. گویشورانی که زبان مادری آن‌ها کردی کلهری است، به هنگام تکلم به زبان فارسی ساختارهای زبان مبدأ را به زبان مقصد منتقل می‌کنند. خطاهایی که در گفتار این افراد مشاهده می‌شود موجب بروز مشکلاتی در برقراری ارتباط با فارسی‌زبانان می‌گردند. از آنجا که آموزش زبان فارسی در مناطق دوزبانه بدون توجه به زبان مادری صورت می‌گیرد، دسته‌ای از مشکلات یادگیری این دانش‌آموزان ناشی از تداخل‌های زبانی است که معلمان، برنامه‌ریزان درسی و طراحان آزمون‌ها با آگاهی از آنها می‌توانند کمک‌های شایانی به پیشرفت درسی دانش‌آموزان کنند.

هدف از این پژوهش، بررسی خطاهای میان‌زبانی یا تداخل‌های نحوی ناشی از انتقال ساختار زبان اول به زبان دوم است. در راستای این هدف، جامعه آماری متشکل از ۱۷۰ دانش‌آموز دختر و پسر ۱۳ تا ۱۵ ساله، به صورت نمونه‌گیری داوطلبانه انتخاب شدند. برای گردآوری داده‌ها، با استفاده از روش مصاحبه در هر جلسه از افراد نمونه خواسته شد تا خاطره‌ای را به زبان فارسی تعریف کنند. سپس براساس طبقه‌بندی براون (۲۰۰۷) از خطاها، خطاهای ناشی از تداخل نحوی تفکیک و مورد بررسی قرار گرفتند. داده‌های گردآوری شده ابتدا به صورت کیفی بررسی شدند و سپس به صورت کمی در قالب نمودار نشان داده شدند. در این پژوهش، محقق به دنبال پاسخ‌گویی به این سؤال است که تداخل‌های نحوی در گفتار کردزبانان کلهر ساکن کرمانشاه به هنگام تکلم به زبان فارسی معیار چگونه است و به چه دسته‌هایی قابل تقسیم است.

۲. پیشینه تحقیق

پژوهش‌گران در پژوهش‌های خود خطاهای نحوی زبان‌آموزان را هنگام استفاده از زبان دوم، در زبان‌های مختلفی مورد بررسی قرار داده‌اند.

منشی زاده و خان بابازاده (۱۳۹۳) به بررسی خطاهای نحوی دانش آموزان تالشی زبان پرداخته اند. آن‌ها خطاهای دانش آموزان را به سه دسته خطاهای بین زبانی، درون زبانی و آموزشی تقسیم بندی کرده اند و چنین نتیجه گرفته اند که در نوشتار این دانش آموزان نمونه‌هایی از هر سه دسته خطا یافت می‌شود. خطاهای آموزشی و در بین آن‌ها خطای عدم مطابقت شناسه فعل با فاعل فراوانی بیشتری دارند.

میردهقان و دیگران (۱۳۹۳) خطاهای نوشتاری ۳۴ فارسی آموز آلمانی زبان را در سطح مقدماتی مورد تجزیه و تحلیل قرار داده اند و خطاها را مطابق دسته بندی فیژیاک (۱۹۸۱) دسته بندی کرده اند. خطاها به دو دسته بین زبانی و درون زبانی تقسیم شده اند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان می‌دهد که منشأ بیشتر خطاها زبان آلمانی است و نه زبان فارسی.

متولیان نائینی و ملکیان (۱۳۹۳) خطاهای نحوی فارسی آموزان اردو زبان را بررسی کرده و به این نتیجه رسیده اند که خطاهای بین زبانی با منشأ زبان مادری بیشترین بسامد وقوع را به خود اختصاص داده اند. از بین مقوله های نحوی نیز خطاهای مرتبط با حرف اضافه بیشترین بسامد وقوع را داشتند.

کاظمی (۱۳۹۳) خطاهای دستوری فارسی آموزان لک زبان را بررسی کرده است. وی خطاها را براساس نظریه کوردن (۱۹۷۵) طبقه بندی کرده و در تحلیل داده هایش از دو فرضیه قوی و معتدله استفاده کرده است. نتایج بررسی داده ها نشان داد که فرضیه معتدله در یادگیری زبان دوم فرضیه غالب است. از بین خطاهایی که وی بررسی کرده است، خطاهای ناشی از تداخل زبانی تأثیری نسبی در یادگیری زبان دوم دارد و محیط یادگیری مؤثرترین عامل در یادگیری زبان قلمداد شد.

کمالی (۱۳۹۴) به بررسی خطاهای زبان آموزان ایرانی در استفاده از حروف فرانسوی پرداخته است. وی پر بسامدترین خطاهای زبان آموزان را به دو دسته تقسیم بندی کرده است: خطاهای بین زبانی یا تداخلی و خطاهای درون زبانی. نتایج تحقیق وی نشان می‌دهد که بیشتر خطاها ناشی از تداخل زبان مادری است. وی دلیل این مسئله را آن می‌داند که زبان آموزان بر پایه زبان مادریشان، یعنی زبان فارسی و یا زبان دومشان که زبان انگلیسی است،

گرفته برداری می‌کنند. دلیل دیگر آن است که چون زبان آموزان با قواعد دستوری زبان فرانسه آشنایی ندارند، یک حرف اضافه را به جای حرف اضافه ای دیگر به کار می‌برند.

در بسیاری از پژوهش‌های انجام شده، تداخل‌های زبانی در زبان‌هایی همچون زبان فارسی، انگلیسی و فرانسه مورد بررسی قرار گرفته است. گروهی از پژوهش‌گران نیز تداخل‌های زبان فارسی را با زبان‌ها و گویش‌های داخل کشورمان همچون زبان لکی و زبان تالشی مورد بررسی قرار داده‌اند. در این میان پژوهشی در زمینه تجزیه و تحلیل خطاهای نحوی کرد زبانان کلهر انجام نگرفته است. از این رو، در این تحقیق به دنبال بررسی این خطاها در گفتار گویش‌وران کردزبان کلهر هستیم.

۳. چارچوب نظری تحقیق

خطاهای بین زبانی در این پژوهش مطابق دسته بندی براون (۲۰۰۷) از خطاها، تفکیک شدند و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند. مطابق دیدگاه براون، منابع خطا عبارت‌اند از: انتقال بین زبانی یا تداخل زبانی^۲، انتقال درون زبانی، بافت یادگیری^۳ و راه‌کارهای ارتباطی^۴ (Brown, 2007:263-266)، در ادامه این منابع به اختصار شرح داده می‌شود.

۱. انتقال بین زبانی یا تداخل زبانی: در مراحل یادگیری زبان دوم، انتقال بین زبانی از زبان بومی به زبان مقصد، به وفور یافت می‌شود. خطاهای بین زبانی یا تداخل زبانی، عبارت‌اند از کاربرد ناآگاهانه الگوها یا عناصر یک زبان در زبانی دیگر (مدرسی، ۱۳۶۸:۴۱). فارچ و کاسپر (۱۹۸۳:۱۱۳) معتقدند وقتی زبان آموز در ساختار زبان دومش نقص دارد آن نقص را به وسیله قواعد دستوری که بخشی از آن متعلق به زبان مادری است، برطرف می‌سازد.

۲. انتقال درون زبانی: انتقال درون زبانی که در درون زبان مقصد رخ می‌دهد، یکی دیگر از منابع خطاست. خطاهای درون زبانی حاصل تأثیر مقوله ای در زبان دوم بر مقوله ای دیگر است.

۳. بافت یادگیری^۵: منظور از بافت هنگامی که زبان دوم در مدرسه آموخته شود، کلاس درس و هنگامی که زبان دوم بدون معلم آموخته شود، جامعه است.

۴. راهکارهای ارتباطی: زبان آموزان از راهکارهای تولید جهت افزایش پیام رسانی کامل استفاده می‌کنند. گاهی این تکنیک‌ها خودشان منبع خطا می‌شوند. راهکارهای ارتباطی عبارت‌اند از کاربرد آگاهانه سازوکارهای کلامی به منظور رساندن یک اندیشه به مخاطب به نحوی که لحظه برقراری ارتباط صورت‌های دقیق در اختیار زبان آموز نباشد (۲۶۶: ۲۰۰۷: Brown).

۴. روش شناسی

این پژوهش از لحاظ هدف از نوع کاربردی، از نظر شیوه اجرا توصیفی و از نظر نوع داده‌ها کمی/ کیفی است. جامعه آماری این پژوهش شامل دانش آموزان دوازدهم مقطع متوسطه اول ساکن شهر کرمانشاه بود. رده سنی این افراد ۱۳ تا ۱۵ سال است. نمونه آماری نیز شامل ۱۷۰ دانش آموز پسر و دختر بود که ۸۵ نفر آنها دختر و ۸۵ نفرشان پسر بودند. این افراد به روش نمونه‌گیری داوطلبانه انتخاب شدند. به این صورت که محقق با توجه به رضایت و اعلام مشارکت افراد، از بین افرادی که زبان مادریشان کردی کلهری و زبان دومشان زبان فارسی بود، نمونه موردنظر را انتخاب کرد. گفتنی است افراد نمونه زبان فارسی را در هنگام ورود به مدرسه به عنوان زبان دوم آموخته‌اند. برای گردآوری داده‌ها جلسات مصاحبه‌ای با حضور افراد مورد مصاحبه برگزار می‌شد و طی آن از آزمودنی‌ها درخواست می‌شد تا خاطره‌ای را به زبان فارسی تعریف کنند. تعداد مصاحبه‌شوندگان در هر جلسه ۴ تا ۵ نفر بود. در هر جلسه، پاسخ افراد به سؤالات مصاحبه گردآوری و سپس بر اساس دسته‌بندی براون (۲۰۰۷) از خطاها، خطاهای بین زبانی و یا خطاهای ناشی از تداخل استخراج شد و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

با توجه به داده‌های به دست آمده از مصاحبه‌ها، ابتدا به صورت کیفی هر یک از انواع خطاها به صورت جداگانه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. بدین ترتیب، برای بررسی هر خطا ابتدا جمله تولید شده توسط فرد دو زبانه به زبان مقصد، یعنی زبان فارسی که حاوی تداخل نحوی است ذکر شد. این جمله با علامت ستاره نشاندار شده است. سپس، جمله فارسی دارای خطا از کردی آمده، روبروی آن نمونه درست کردی نوشته شده و در پایان ساختار صحیح فارسی آن آمده است. همچنین، در بخش کمی، بسامد و فراوانی‌های هر کدام از خطاها در قالب نمودار میله‌ای ارائه شد.

۵. یافته های پژوهش

۵-۱. تحلیل کیفی خطاها

در زیر خطاهای مربوط به حروف اضافه، حروف ربط، حرف نشانه «را»، کاربرد اجزای فعل مرکب، فعل نامناسب، ترتیب اجزای جمله، استفاده از ضمیر نامناسب و استفاده از «ی» زائد به ترتیب شرح داده می شود

۵-۱-۱. خطاهای مرتبط با حروف اضافه

حروف اضافه حرفی هستند که کلمه یا گروهی را به فعل، صفت و مانند آن نسبت می دهند (احمدی گیوی و انوری، ۱۳۸۰: ۱۷۶). در زبان کردی برخی از حروف اضافه دارای چند معنا هستند. از این رو، کردزبانان هنگام تکلم به زبان فارسی، به گزینش حرف اضافه صحیح قادر نیستند و همین مسئله به تداخل زبانی منجر می شود. خطاهای مرتبط با حروف اضافه در گفتار کردزبانان هنگام تکلم به زبان فارسی به سه دسته تقسیم می شود: الف) استفاده غیر صحیح از حرف اضافه ب) عدم استفاده از حرف اضافه ج) استفاده زائد از حرف اضافه.

۵-۱-۱-۱. استفاده غیر صحیح از حروف اضافه

۵-۱-۱-۱-۱. حرف اضافه /wæ/

در زبان کردی، حرف اضافه /wæ/ معادل «به»، «از»، «با»، «در»، «بر»، «برای»، «به وسیله» در زبان فارسی است.

الف) خطای جایگزینی حرف اضافه «از» به جای «برای»

dæs wælit tækan dam.

دادم تکان برای دست

۱. * دست از تکان دادم.

برای دست تکان دادم.

ب) خطای جایگزینی حرف اضافه «با» به جای «به»

kæm kæm wæ mə ʊdæt kærd.

عادت کرد من به کم کم

۲. کم کم با من عادت کرد.

کم کم به من عادت کرد.

ج) خطای جایگزینی حرف اضافه «از» به جای «برای»

paɪtawə æwæ wæ mə dəriʒ bi.

بود بلند من به او پالتو

۳. پالتوی او از من دراز بود.

پالتوی او برای من بلند بود.

د) خطای جایگزینی حرف اضافه «در» به جای «از»

tʃæn gələ wæ sifəjl gænjənæ.

چند عدد از سیب ها گندیده‌اند

۴. چند تا در سیب ها گندیده‌اند.

چند تا از سیب ها گندیده‌اند.

ه) خطای جایگزینی حرف اضافه «به» به جای «با»

wæ dæʃə xali furu kærd.

کرد شروع خالی دست با

۵. به دست خالی شروع کرد.

. او با دست خالی شروع کرد.

و) خطای جایگزینی حرف اضافه «به» به جای «از»

۶. * خدا حق این بچه به عمویش بگیرد.

xoda hæqə ɪ: mənɒtə wə mæmuɪ bəsənɪ:.

بگیرد عمویش از بچه این حق خدا

خدا حق این بچه را از عمویش بگیرد.

ز) خطای جایگزینی حرف اضافه «با» به جای «از»

wə bajəmdʒan bædəm tʃəɪ.

می‌آید بدم بادمجان از

۷. * یا بادمجان بدم می‌آید.

از بادمجان بدم می‌آید.

ک) خطای جایگزینی حرف اضافه «از» به جای «با»

۸. * کمکش می‌کردیم یا از پول یا از چیزهای دیگر.

kumækɪ: kərdʒaɪmən ja wə pyl ja wə tʃəʃtəjlə təræk.

دیگر چیزهای با یا پول با یا می‌کردیم کمکش

کمکش می‌کردیم یا با پول یا با چیزهای دیگر.

ل) خطای جایگزینی حرف اضافه «در» به جای «به»

۹. * سرما ضرر زیادی در ما وارد کرد.

særma zærærə færæɪ wə imə wərəd kərd.

وارد کرد ما به زیادی ضرر سرما

سرما ضرر زیادی به ما وارد کرد.

ح) خطای جایگزینی حرف اضافه «بر» به جای «به»

۱۰. * بر پدر و مادر خود احترام بگذارید.

wæ bawgo daʔəgə xwæt ətəram bənæ.

بگذار احترام خودت مادر پدر به

به پدر و مادر خود احترام بگذارید.

در نمونه های مشاهده شده، زبان مبدأ زبان آموز روی زبان مقصدش تأثیر می گذارد و یکی از معادل های /wæ/ را به اشتباه به جای معادلی دیگر به کار می برد.

۲-۱-۱-۵. حرف اضافه /næw/

حرف اضافه /næw/ در زبان کردی معادل «داخل»، «بین»، «به»، «در»، «میان» و «توی» در زبان فارسی است.

الف). خطای جایگزینی حرف اضافه «توی» به جای «بین»

۱۱. * او توی ما فرق می گذاشت.

æwæ naw imæ færq hiftja.

می گذاشت فرق ما بین او

او بین ما فرق می گذاشت.

ب) خطای جایگزینی حرف اضافه «میان» به جای «توی»

tʃowəm wæ naw tʃowr: nækæfr:

نیفتد چشمش توی چشمم

۱۲. * چشمم میان چشمش نیفتد.

چشمم توی چشمش نیفتد.

ج) خطای جایگزینی حرف اضافه «داخل» به جای «به»

gəft hæwæsi: ha nɑw mɑfækəɪ.

خانه داخل به حواسش همه

۱۳. * همه حواسش داخل خانه اش است

همه حواسش به خانه اش است.

د) خطای جایگزینی حرف اضافه «میان» به جای «در»

۱۴. * میان این چند ماه زجر کشیدم.

wæ nɑw i: tʃæn maɪjæ zædʒr kifam.

کشیدم زجر ماه چند این در

در این چند ماه زجر کشیدم.

فرد دو زبانه با به کار بردن یکی از معادل های /nɑw/ به جای سایر معادل های آن در این

حوزه مرتکب خطا می شود.

۳-۱-۱-۵. حرف اضافه /læ/

/læ/ در زبان کردی معادل «از» و «در» در فارسی است.

læ zəndægi muwæfæq bi

بود موفق در زندگی

۱۵* از زندگی موفق بود.

در زندگی موفق بود.

به دلیل وجود معادل های متفاوت برای حرف اضافه /læ/ در زبان فارسی، کرد زبانان به هنگام تکلم به زبان فارسی از حرف اضافه «از» به جای «در» استفاده می کنند.

۴-۱-۱-۵. حرف اضافه /æra/

/æra/ در زبان کردی معادل «برای» و «به» در زبان فارسی است.

tʃim æra bank.

بانک برای رفتم

۱۶*. رفتم برای بانک.

به بانک رفتم.

کرد زبانان به جای استفاده از حرف اضافه «به» به عنوان یکی از معادل های /æra/ از معادل دیگر آن یعنی «برای» استفاده می کنند.

۵-۱-۱-۵. حرف اضافه /la/

/la/ در زبان کردی معادل «پیش»، «کنار»، «به» در زبان فارسی است.

الف) خطای جایگزینی حرف اضافه «کنار» به جای «پیش»

kətawægæm wæ laɪ bəram bi

بود برادرم کنار کتابم

۱۷*. کتابم کنار برادرم بود.

کتابم پیش برادرم بود.

فرد دوزبانه با به کار بردن معادل‌های /la/ در زبان فارسی به جای یکدیگر در این حوزه مرتکب خطا می‌شود.

۲-۱-۱-۵. عدم استفاده از حرف اضافه

tæwækol kərdimənæ xoda.

به خدا کردیم توکل

۱۸. * توکل کردیم \emptyset خدا.

به خدا توکل کردیم.

در زبان کردی با فعل‌هایی مثل «توکل کردن» و «تکیه کردن» حرف اضافه به کار نمی‌رود. از این رو، کلهرزبانان در زبان فارسی حرف اضافه را در چنین مواردی حذف می‌کنند.

۳-۱-۱-۵. استفاده زائد از حرف اضافه

wæ naw zəndægim tæ:ran nætʃym.

نرفته ام تهران زندگی داخل در

۱۹. * در توی زندگی ام تهران نرفته بودم.

در زندگی ام تهران نرفته بودم.

در زبان کردی حرف اضافه دوتایی وجود دارد. معادل این حروف در زبان فارسی یک حرف اضافه است. گویشور کلهر به هنگام تکلم به زبان فارسی، برای هر جزء این حروف اضافه دوتایی یک معادل را به کار می‌گیرد.

۲-۱-۵. خطاهای مرتبط با حروف ربط

حروف ربط حرفی هستند که کلمات و جملات را به یکدیگر پیوند می‌دهند (احمدی گیوی و انوری، ۱۳۸۰: ۱۷۶). خطاهای مربوط به حروف ربط در گفتار کردزبانان به هنگام تکلم به

زبان فارسی به سه دسته تقسیم می شوند: الف) عدم استفاده از حرف ربط «و» ب) استفاده زائد از حرف ربط «دیگر».

۱-۲-۵. عدم استفاده از حرف ربط «و»

nānkærægæ bæger.

بگیر نان و کره

۲۰. * نان Ø کر گ بگیر.

نان و کره را بگیر.

در زبان کلهری گاهی حرف ربط «و» حذف می شود.

۲-۱-۵. استفاده زائد از حرف ربط «دیگر»

۲۱. * درباره همه صحبت کردیم. دیگر راجع به تو هم حرف زدیم.

qəsæi gəft kərdim. di qəsæi tonif kərdimən.

زدیم تو را حرف هم کردیم همه صحبت

درباره همه صحبت کردیم. همچنین راجع به تو هم حرف زدیم.

کرد زبانان حرف ربط «دیگر» را به صورت زائد به کار می برند. دلیل آن این است که در زبان کردی حرف ربط "i" که معادل «همچنین» است، بسیار به کار برده می شود.

۳-۱-۵. خطای جایگزینی حرف نشانه «را»

حرف نشانه «را» برای تعیین نقش مفعول در جمله به کار می رود. کلمه یا گروه قبل از «را» دارای نقش مفعولی است (احمدی گیوی و انوری، ۱۳۸۰: ۱۸۱). خطای جایگزینی حرف

نشانه «را» شامل استفاده از حرف اضافه «به» به جای «را»، استفاده از نشانه معرفه /æɡæ/ به جای «را» و عدم استفاده از نشانه مفعولی «را» است.

۱-۳-۵. استفاده از حرف اضافه «به» به جای «را»

۲۲. *آنقدر به دزد زدیم گفتیم الآن می‌میرد.

æqərə wæ dəzægə dajmən wætīm ælan mæri:

آنقدر دزد را زدیم که گفتیم الآن می‌میرد.

کلهر زبانان گاهی «را» را به عنوان نشانه مفعولی حذف می‌کنند و معادل حرف اضافه /wæ/ را در معنای «به» به کار می‌گیرند.

۲-۳-۵. استفاده از نشانه معرفه /æɡæ/ به جای «را»

ʃirə mənətægə dām.

شیر بچه را دادم

۲۳. *شیر بچگِ دادم.

شیر بچه را دادم.

از آنجا که در زبان کردی معادل «را» وجود ندارد، /æɡæ/ به عنوان عنصر معرفه ساز پس از اسم نقش آن را ایفا می‌کنند.

۳-۳-۵. عدم استفاده از نشانه مفعولی «را»

æsbawəjləman wæ də:ton bərdimən.

وسيله هاي‌مان با کامیون بردیم

۲۴. *وسایلمان \emptyset با ده تن بردیم.

وسایلمان را با کامیون بردیم.

نشانه «را» به این دلیل حذف شده است که در کردی معادلی برایش وجود ندارد.

۴-۱-۵. خطای کاربرد اجزای فعل مرکب

فعل مرکب فعلی است که از دو واژه مستقل تشکیل شده است. واژه اول اسم، صفت یا قید و واژه دوم فعل است. جزء فعلی در فعل مرکب، معنی فعلی خود را از دست می‌دهد و یا معنی‌اش کم رنگ می‌شود (طباطبایی، ۱۳۸۴: ۲۶).

خطای کاربرد اجزای فعل مرکب شامل حذف جزء اسمی فعل مرکب، گسستگی اجزای افعال مرکب، کاربرد نامناسب جزء فعلی فعل مرکب و خطای کاربرد جزء اسمی نامناسب فعل مرکب است.

۱-۴-۱-۵. حذف جزء اسمی فعل مرکب

daft tupan kerdja.

بازی کردن فوتبال داشت

۲۵. * داشت فوتبال \emptyset می کرد.

داشت فوتبال بازی می کرد.

در زبان کردی «بازی» در فعل‌های مرکبی همچون «فوتبال بازی کردن»، «قایم باشک بازی کردن»، «پینگ پنگ بازی کردن»، به کار برده نمی‌شود. از این رو کلهر زبانان در زبان فارسی این جزء اسمی را حذف می‌کنند.

۲-۴-۱-۵. گسستگی اجزای افعال مرکب

ʃəkəstə bawgəm da.

شکست پدر زد

۲۶. * شکست پدرم داد.

پدرم را شکست داد.

در زبان کلهری بین جزء اسمی و جزء فعلی فعل مرکب گسستگی وجود دارد و این دو جزء پشت سر هم نمی‌آیند. کرد زبانان به هنگام تکلم به زبان فارسی این گسستگی را به زبان دومشان منتقل می‌کنند.

۳-۱-۴-۵. کاربرد نامناسب جزء فعلی فعل مرکب

guʔəman da.

زد گولمان

۲۷. * گولمان داد.

گولمان زد.

فعل «دادن» در زبان کردی معادل «دادن» و «کردن» و «زدن» در زبان فارسی است. از این رو، کلهر زبانان در زبان فارسی معادل های این فعل را به جای یکدیگر به کار می‌برند.

۵-۱-۴-۴. خطای کاربرد جزء اسمی نامناسب فعل مرکب

wæ xəjalætir: mərdimən.

مردیم خجالت از

۲۸. * از خجالتی مردیم.

از خجالت مردیم.

در بعضی از فعل‌های مرکب کلهری، جزء غیر فعلی به صورت «اسم + ی» مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ مانند «خجالتی» به جای «خجالت»، «تقلبی» به جای «تقلب». به این دلیل کلهرزبانان این الگو را به زبان فارسی انتقال می‌دهند.

۵-۱-۵. کاربرد فعل نامناسب

kolærægæ bægær.

کُلر بَگیر

۲۹. * کُلرگَ بَگیر.

کولر را روشن کن.

در زبان کله‌ری فعل «گرفتن» در معنای «گرفتن» و «روشن کردن» به کار می‌رود. از این رو، کله‌ری زبانان معادل‌های فعل «گرفتن» را در زبان فارسی به جای یکدیگر مورد استفاده قرار می‌دهند.

۵-۱-۶. خطای ترتیب اجزای جمله

kiʃaməy aw.

آب کشیدمش

۳۰. * کشیدمش آب.

آبش کشیدم.

ترتیب اجزای جمله در زبان کردی به صورت SVO و در زبان فارسی به صورت SOV است. کله‌ری زبانان به هنگام تکلم به زبان فارسی آرایش جمله را در زبان کردی به زبان فارسی تحمیل می‌کنند.

۵-۱-۷. خطای استفاده از ضمیر نامناسب

۳۱. * هر کسی وارد می‌شد، معلم به آن نگاه می‌کرد.

هر کسی که وارد می‌شد، معلم به او نگاه می‌کرد.

hærkæ warəd bija mæ:ləm səjlə æwæ kærđja.

هرکسی وارد می‌شد معلم نگاه به او می‌کرد

/æwæ/ در زبان کردی معادل «او» و «آن» است و برای اشاره به انسان و غیرانسان به کار می رود. فرد کلهر زبان به هنگام تکلم به زبان فارسی، تحت تأثیر زبان کردی «او» و «آن» را به عنوان معادل های /æwæ/ به اشتباه به جای یکدیگر به کار می برد.

۸-۱-۵. استفاده از «ی» زائد

۳. wæ dadəga əxtarijæ hat.

آمد اخطاری دادگاه ازطرف

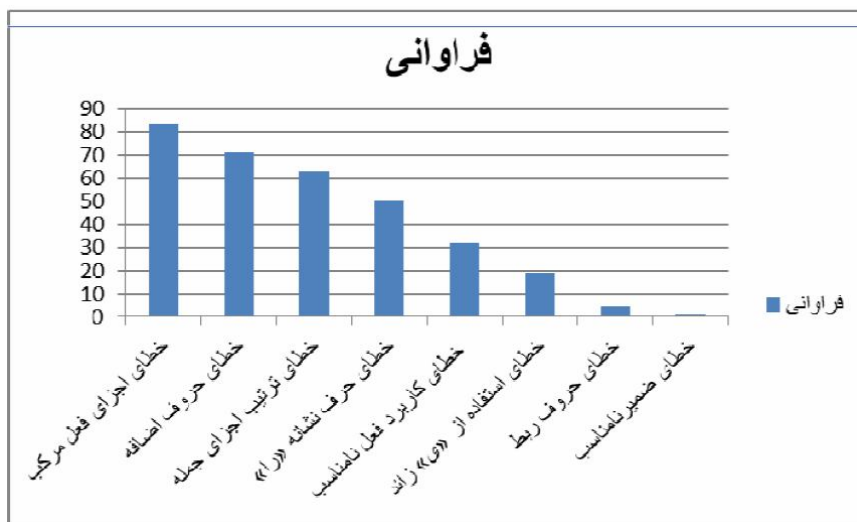
۳۲.* از دادگاه اخطاری آمد.

از دادگاه اخطار آمد.

در زبان کردی گاهی به جای اسم از «اسم + ی» استفاده می شود. فرد دو زبانه همین ساخت را به زبان فارسی منتقل می کند.

۲-۵. نتایج تحلیل کمی

در نمودار زیر فراوانی و درصد خطاهای دانش آموزان نشان داده شده است. همان طور که مشاهده می شود، بیشترین بسامد متعلق به حوزه خطای کاربرد نادرست اجزای فعل مرکب می باشد. پس از آن، حروف اضافه، خطای ترتیب اجزای جمله، خطای حرف نشانه «را»، خطای کاربرد فعل نامناسب، استفاده از «ی» زائد، خطاهای حروف ربط و خطای استفاده از ضمیر نامناسب در مرتبه های بعدی قرار می گیرند.



نمودار ۱: فراوانی و درصد خطاها

Chart1: Frequency and percentage of errors

۶. نتیجه

هدف پژوهش حاضر بررسی تداخل‌های نحوی کرد زبانان کلهر ساکن کرمانشاه هنگام تکلم به زبان فارسی بود. از آنجا که خطاهای نحوی این افراد دارای چندین منشأ هستند و از گستره وسیعی برخوردارند. از این رو، تنها خطاهای نحوی بین زبانی یا خطاهای ناشی از تداخل زبانی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج تحقیق نشان داد که خطاهای مربوط به کاربرد نادرست اجزای فعل مرکب (۶۲/۲۵) بیشترین بسامد تداخل را به خود اختصاص می‌دهند. پس از آن بیشترین فراوانی مربوط به حروف اضافه (۹۱/۲۱)، ترتیب اجزای جمله (۴۴/۱۹)، حرف نشانه «را» (۴۳/۱۵)، کاربرد فعل نامناسب (۸۸/۹)، استفاده از «ی» زائد (۸۶/۵)، حروف ربط (۵۴/۱) و استفاده از ضمیر نامناسب (۳۱/۰) بود.

نتایج این تحقیق در راستای پژوهش‌های میردهقان و دیگران (۱۳۹۳)، متولیان نائینی و ملکیان (۱۳۹۳) و کمالی (۱۳۹۴) است. در تبیین این نتایج می‌توان گفت از آنجا که زبان‌آموز در ابتدا ساختارها و قواعد زبان مادری اش را به صورت ناآگاهانه فرا می‌گیرد، هنگام یادگیری زبان دوم با توجه به زمینه قبلی که در ذهنش وجود دارد، تمایل دارد که این الگوها را به زبان

دومش منتقل کند و این مسئله به تداخل زبانی منجر می‌شود. مطابق نظریه انتقال نیز، زبان مادری به دو شیوه بر روی زبان مقصد تأثیرگذار است: شیوه مثبت و منفی. شباهت‌های بین دو زبان فرایند یادگیری را تسهیل می‌نماید. در حالی که تفاوت‌های بین آن‌ها موجب انتقال منفی می‌گردند. بنابراین، در فرایند یادگیری زبان دوم، انتقال منفی یا تداخل اجتناب ناپذیر است (Wang, ۲۰۰۹:۱۳۸). علت وقوع تداخل‌های زبانی در گفتار کرد زبانان کلهر نیز آن است که در ذهن زبان آموز، نظام زبان کردی به عنوان زبان اول به طور کامل شکل گرفته است. بر اساس نظریه انتقال دلیل بروز خطاهای بین زبانی وجود این نظام ذهنی است. در ابتدای یادگیری زبان فارسی به عنوان زبان دوم، زبان آموز در بسیاری موارد به زبان اولش تکیه می‌کند. بدین ترتیب استفاده از ساختار زبان اول موجب تداخل ساختارها می‌شود. به نحوی که وی ساختار زبان مادری اش را به زبان مقصد منتقل می‌کند. برای مثال، در زبان کردی کلهری بین جزء اسمی و جزء فعلی فعل مرکب گسستگی وجود دارد. بنابراین، کرد زبانان هنگام تکلم به زبان فارسی این گسستگی را به زبان دومشان منتقل می‌کنند. بدین ترتیب تداخل‌های مشاهده شده، حاصل انتقال الگوهای زبان اول به زبان دوم هستند.

نتایج حاصل از توصیف خطاهای نحوی در این پژوهش، می‌تواند راهکارهای آموزشی را برای معلمان، برنامه ریزان درسی، طراحان آزمون‌ها و زبان آموزان در راستای کاستن مشکلات یادگیری زبان فارسی ارائه دهد. از آنجا که آموزش زبان فارسی، خود به عنوان آموزش زبان دوم در بسیاری از مناطق کشور مطرح است، مدرسانی که زبان فارسی را به دانش آموزان کرد زبان آموزش می‌دهند با استفاده از یافته‌های چنین تحقیقی و آگاهی از تداخل‌های زبانی و مشکلات دانش آموزان، قادر خواهند بود با دید بازتری با خطاها و مشکلات دانش آموزان برخورد کنند. همچنین، نتایج این پژوهش می‌تواند گامی در کمک به تدوین کتاب‌های درسی برای دانش آموزان دوزبانه کرد زبان و فارسی زبان بردارد.

از آنجا که هدف از برگزاری آزمون‌ها ارزیابی آموخته‌های دانش آموزان است، آزمون‌سازان نیز با آگاهی از مواردی که دانش آموزان با آنها مشکل دارند و مرتکب خطا می‌شوند، می‌توانند از یافته‌های این تحقیق در طرح آزمون‌ها بهره‌برند. بدین ترتیب کلیه مشکلات درسی دانش آموزان دو زبانه دال بر کم‌کاری و عدم توجهشان به درس تلقی نمی‌شود. به علاوه زبان آموزان خود می‌توانند از یافته‌های این پژوهش در جهت شناسایی و برطرف کردن مشکلات زبانی

شان به هنگام ارتباط با فارسی زبانان استفاده کنند؛ زیرا برخی از سوءتفاهم‌ها و مشکلات برقراری ارتباط، ناشی از تداخل بین زبان‌هاست.

۸. منابع

- احمدی گیوی، حسن و حسن انوری (۱۳۸۰)، دستور زبان فارسی ۱، تهران: فاطمی.
طباطبایی، علاءالدین (۱۳۸۴). «فعل مرکب در زبان فارسی». نامه فرهنگستان. ش ۲۶. صص ۲۶-۳۴.
- کاظمی، فروغ (۱۳۹۳). «تحلیل خطاهای دستوری فارسی آموزان لک زبان»، جستارهای زبانی، د ۵. ش ۲ (پیاپی ۱۸). صص ۲۰۷-۲۳۵.
- کمالی، محمدجواد (۱۳۹۴). «تحلیل خطاهای زبان آموزان ایرانی در استفاده از حروف اضافه فرانسه». جستارهای زبانی، د ۶. ش ۴ (پیاپی ۲۵)، صص ۲۲۹-۲۴۹.
- متولیان نائینی، رضوان و رسول ملکیان (۱۳۹۳)، «تحلیل خطاهای نحوی فارسی آموزان اردو زبان»، آموزش زبان فارسی به غیرفارسی زبانان، س ۳، ش ۱ (پیاپی ۶)، صص ۶۴-۳۱.
- مدرسی، یحیی (۱۳۶۸). درآمدی بر جامعه شناسی زبان، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- منشی زاده، مجتبی و کیومرث خان بابازاده (۱۳۹۳)، «خطاهای نحوی تالشی زبان‌ها در کاربرد زبان فارسی». آموزش زبان فارسی به غیرفارسی زبانان، س ۳، ش ۱ (پیاپی ۶)، صص ۱۱۷-۱۳۵.
- میردهقان، مهین ناز و دیگران (۱۳۹۳)، «خطاهای نوشتاری فارسی آموزان آلمانی زبان در سطح مقدماتی، خطاهای املایی - واجی»، آموزش زبان فارسی به غیرفارسی زبانان، س ۳، ش ۱ (پیاپی ۶)، صص ۹۱-۱۱۶.